دوست می‌دیدی چون آن یکیست و در محبت غالب آید آن زمان رخت بربندد و محب هم از میان برخیزد چون محبت فانی از بین
است هر که او را دوست خود را پرستش نمیکند و چون آیتی که در اثبات توحید حجت بود بر بر کافران مذکور شد آیتی دیگر
که دلیل اثبات نبوت باشد بر ایشان رقم ذکر می‌فرماید فَأْتُوا بِسُورَةٍ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ و اگر هستید شما فِي رَيْبٍ در شک کنان یا نگریب معاند
محقق بود و لکن که حرف شرطست و موجب تردد را در او دو بر غلاف ظاهر حجت موضع دلایل اعجاز قرآن و بیان آن در حجت
و خوبی است بحثی که ریب را در محال نیست الا بر سبیل فرض محال و گفته اند آن معنیها از دست چنانچه انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین
یعنی چون هستید شما برکان مِمَّا نَزَّلْنَا از آنچه می‌کاوید و پرستادیم آنرا بتدریج از آیات و سور قرآن عابد و حق تعالی ذمه و اگر
بوی که بخلاف عادت بیکبار نازل شی وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً حق تعالی ذمه و اگر
شک دارید در آنچه نازل می‌فرستیم سوره و سوره آیه آیه عَلَىٰ عَبْدِنَا بر بنده ما که محمد است صلعم لفظ عبد بالا عبد و اضافت
اشاره و تنبیه بر آنکه آنحضرت صلعم از دیگران بکمال عبادت و اطاعت اختصاص دارد و این اضافه تخصیص آنحضرت مدح و دیگر
استعارتست با آنکه بنده دست و بنده در راحتست یا تصرف در کلام مولا نباشد بمنع که بر و نازل کرد و بر شما نفرستاد اگر
از روی شک میگوئید که قرآن نه سخن حق است بلکه ساخته و بافته دست فَأْتُوا پس بیارید شما نیز که اهل فصاحت و بلاغت
سُورَةٍ بمقداری سخن که در بلاغت و جزالت و اخبار از امور غیبیه باشد مِثْلِهِ مانند قرآن من زاید است برای تاکید
که قرآن چنو و همسان و پس بیارید کسی که در صدق و امانت و حسن معاش و دیانت مانند او باشد نه خواننده و دروغ
در هیچ کتابی است و هیچ قصه از نقص گذشتگان از راه استماع کرده و در میان قوی نشسته و نشنیده و دروغ
هر شما با خلاق چار پر انچه یک در وی دعوی وَادْعُوا و بخوانید و گواه و امید اگر بخود توانائی او در دون ندارید شُهَدَاءَكُمْ حاضران خالی
از خطبا و شعرا و کوینده مرا در بیان ایشان است میگوید بخوانید الهیه خود را بعد و کاری در ایراد سوره مثل قرآن مِنْ دُونِ اللَّهِ بر خلاف
باگفته در نبوت که چهار و مثل این سوره خدای بحق و امر است تداوم است تظهار بحجاوات که سخن نیست انه گفت در معاند
که بخوانید پرستیدگان ایشان توانند بود و صنام را شهید گفت چه نعمت پرستان آن بود که نزد اعتقاد که و حق
که پرستندگان و برحق بودند گفته اند یا و گواهان من دون الله یعنی دون اولیاء الله که آواز لباجیس خوش و آمد و از مهمان
کوهی و سند که شما مثل قرآن آورده اید این سخن را قبیل سادات و اعیان خانست و شعار با گفته در میان شما نیز کسی هست از معاندان
که نزد شما دانسته اند و مدح شود از گفته پیش کوهی تواند و دو بعضی شهید را بمعنی معاون گرفته اند چه گواه و معاون و مدعی است
در اثبات مدعا پس میگوید که بدو آرید در معارضه قرآن هر گواه بدو امید معارضت سید ارید از حجت و آنرا استعانت کنید از

امثال فاضل خود برآوردن مثل این سوره إِنْ كُنْتُمْ اگر هستید شما صَادِقِينَ راست گویان در آنچه این کلام بفرستید یعنی
که این خطاب با یهود است که در قرآن شک داشتند و میگفتند تورية موسی را پیچکار زده و آمده و اگر قرآن نیز کلام حق بودی باید
که یک کرت نازل شدی پس معلوم میشود که سخن محمد است صلعم قتادة فرمود که اگر شک دارید و اگر قرآن حق است باید بر شما
از تورية در باب توحید و نبوت و معاد زیاده نشنید از قرآن و ما هست هر دو کتاب بلند و بخوانید اخبار در ما بین که ایمان شما
و بعد دیگر این کار بکنید اگر راست میگوئید که قرآن مخالف تورية است و حال آنکه مصدق و موافق است فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا پس اگر
معارضه کردید در زمان گذشته و مثل قرآن سوره نیاوردید پیش از این گفته شد که این آیه در اثبات نبوت و نبوت مبنی بر
اظهار معجزات که تا دهن قیامت دست بجاز از کیان ظهور او گوناه کرده اند قرآن است ای خبر حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم
بود و گاه قرآن بباشد و بر باطن قرآن اگر او را مرخوشکی ای بیاقه تمام ایشان را بمعارضه و معاند بخواندی از خوف که مبادا
معارض شوند بنای دعوی او بسنگ معارضه در هم شکنند و دیگر آنزمان فصاحت بود و در هیچ عصر و خبر و هیچ
اتفاق از فصحا و بلغا جمع نبود و اند که در زمان فضیلت شان آنحضرت بود و از آنوقت از خطبا قس بن ساعده و اکثم بن صیفی بود و خر
در فصاحت علم تفوق بر او حجت و گوی بلاغت از میدان برات ربود و بنشات بلیغ ایشان در معنی از تواریخ و سیر بدیگر نشر
و از شعرا شعور امرالقیس طرفه و زهیر و اعشی که هنوز بر دیوان شعر ایشان با صحایف باقی مانده و پس شدند ارباب خویش
لغت و عرب خود قومی بشدند و جمعیتی و اتفاق از طوایف پیش و غیرت و ناموس از اصناف خلایق در جنس خصوصا قبیله قریش
که بمن و دکا و حدس فطنت در میان عرب شعار گشته و با این همه عاجز شدند از قصدی جواب قرآن بجاز دفع کردن
بدان معلوم شد که قرآن معجزیست باهر و بر صدق حضرت رسالت صلعم و دعوت نبوت گواهی ظاهر و هیچی کرا از اعجاز قرآن
اخبار از غیب ایشان است در معارضه قرآن چنانچه فرمود وَلَنْ تَفْعَلُوا و هرگز نتوانند معارضه کردن یعنی چنانچه در زمان ما غیبی
بشوید بر ایشان مثل قصه سوره از قرآن در زمان آینده و نیز شما هیچکس دیگر از زمان و مکان بر حضرت قدرت
نخواهد بود و این جمله اعراض الکلام قبل التمام است و این صنعتیست بغایت مقبول طبایع سلیمه و از مناسبت شمرده اند
و فایده او اینجا آنکه گوید که از آن شرط و نفی هر دو مقرر قطع آن نموده اینست ظاهر گردد که چون از معارضه عاجز شدید
و هرگز بدان قادر نخواهید بود پس زوری معاندت کردن با پیغمبر نمیشایند و کلام را باد کرده متابعت لازم و واجب
تا مستحق عقوبت نشوید یعنی این کلام است که فَاتَّقُوا پس بپرهیزید بعد ایمان بخود و سوال قرآن النَّارَ از آتش
دوزخ بعد از اثبات نبوت و تحقیق آن شروع کرد در باب معاد و نتیجه امور معادی حصول ثواب و عقابست و عمل آن نسبت
دوزخ خواهد بود و از پناه ابد نگرد و دوزخ نمود که موجب بیت و رغبت نیز اگر که ترهیب در حق غافلان انفع و اولی است
از ترغیب و ذکر نار را تا ثبات نبوت سنت ایمانی شبابکی مخالف صاحب نبوت است استغاثه آتش نسبت فَإِنْ
آن آتشی که گفتار است از سایر آتشها با آنکه وَقُودُهَا آتش انگیزان النَّاسُ مردمانند یعنی کافران آتش میشایند که در آن